

گزارشی از «همایش مهاجرت نخبگان علمی در ایران امروز: چالش‌ها و راهکارها»

تنظیم: مریم مالمیر
عضو هیات مدیره انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری
نامه علوم پایه شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۳

چکیده

مفهوم «مهاجرت نخبگان» با واژه‌هایی همچون «فرار مغزها»، «فرار نخبگان» و «فرار سرمایه‌ها» قرابت دارد. در سال‌های اخیر، ایران با سونامی مهاجرت یا فرار نخبگان مواجه شده است. این امر به باور برخی از صاحب‌نظران، صدها برابر جنگ تحمیلی هشت‌ساله، به اقتصاد ایران صدمه وارد کرده است، درعین‌حال که نمی‌توان خسارت‌های ناشی از مهاجرت نخبگان را صرفاً به حوزه اقتصاد محدود نمود. زیرا مهاجرت نخبگان اساساً پدیده‌ای چندوجهی است، به این معنا که هم عوامل منتج به آن متفاوت و متعدّدند، و هم پیامدهای آن وجوه متفاوت زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. درهرحال، حیاتی بودن موضوع برای جامعه آسیب‌دیده ایران به‌گونه‌ای است که همه دلسوزان و اندیشمندان ایران، و همین‌طور نهادهای حاکمیتی را وامی‌دارد تا به واکاوی ریشه‌های موضوع بپردازند و راهکارهای علمی برای بهترین مواجهه با این معضل را ارائه داده و به‌کارگیرند. بر این اساس، «انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری» با دعوت از اساتید و صاحب‌نظران حوزه‌های علمی مختلف، ابعاد اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهاجرت نخبگان را در همایشی ملی با عنوان: «مهاجرت نخبگان ایران امروز: چالش‌ها و راهکارها»، در تاریخ ۱۲ و ۱۳ دی‌ماه ۱۴۰۳، مورد بحث و بررسی قرار داد. در این همایش زمینه‌ها، ویژگی‌ها و پیامدهای مهاجرت نخبگان به عنوان رخدادی نوپدید و چندوجهی در قالب شش نشست با مشارکت ۳۷ تن از صاحب‌نظران و پژوهشگران برجسته کشور مطرح شد و مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. هدف کلی همایش از ابتدا و در مراحل برگزاری، آن بود که موضوع مهاجرت نخبگان علمی در قالب یک «مسئله ملی» مطرح شود و توجه افکار عمومی، دانشوران، نهادها و کنشگران مدنی، سیاست‌گذاران و مجریان و همه دلسوزان ایران را به این موضوع جلب کند. در واقع همایش، فراخوانی به «گفتگو بر سر جدی بودن، فراگیر بودن و پرشتاب بودن پدیده و فرایند مهاجرت نخبگان علمی و تأثیرگذاری بر همه‌ی زمینه‌ها و ابعاد توسعه ایران امروز و فردا» بوده است.

کلمات کلیدی: مهاجرت نخبگان، اخلاق، دایاسپورای ایرانی

مقدمه

دیگر باشند و بنابراین سعی کنند مهاجرت را مهار کنند، یا حداقل مهاجران ماهر را به بازگشت و مشارکت در توسعه کشورهای مبدأ خود تشویق کنند.

بنابراین اگر چه مهاجرت برای کشورهای مبدأ می‌تواند در برگیرنده مزایایی همانند انتقال و ورود ارز، مشارکت مهاجران در فعالیت‌های کشور مبدأ و بازگشت مهاجران به کشور مبدأ (از طریق فعالیت‌های کارآفرینی، سرمایه‌گذاری مولد و تغییر اجتماعی)، ایجاد کند اما مهاجرت افسار گسیخته به ویژه در میان نخبگان، متخصصین، کارآفرینان و کارگران ماهر می‌تواند به چالشی مهم برای کشور مبدأ تبدیل شود. تأثیر مهاجرت بر یک کشور بسیار فراتر از از دست دادن بهترین و باهوش‌ترین افراد است. مهاجرت عوامل تولید کشور را کاهش می‌دهد، که اساساً پتانسیل آن را برای رشد اقتصاد کاهش می‌دهد. آنچه در یک اقتصاد توسعه‌یافته یک فرد با مهارت

هرچند مهاجرت به عنوان یکی از عوامل موثر در پیدایش و توسعه تمدن بشری شناخته شده، و معمولاً برای کشورهای مقصد حاوی مزایا و منافع زیادی بوده اما در کشورهای مبدأ هنوز در مورد تأثیر کلی توسعه‌ای آن اجماع نظر وجود ندارد. مطالعات مربوط به تأثیرات مهاجرت بر توسعه، هم به اثرات مثبت و هم به اثرات منفی اشاره کرده‌اند. به نظر می‌رسد برخی از کشورها مهاجرت را به عنوان یک جزء کلیدی از استراتژی‌های توسعه خود قرار داده‌اند و به طور ضمنی - و حتی گاهی اوقات به صراحت - مردم را به مهاجرت به کشور دیگری تشویق می‌کنند. این امر ممکن است فشار بر بازار کار، به ویژه در جایی که جمعیت جوان و بیکار است، را کاهش دهد و به کشورها اجازه دهد از جریان وجوه ارسالی بهره‌مند شوند. اما از سویی دیگر کشورها ممکن است نگران از دست دادن سرمایه انسانی ناشی از عزیمت افراد ماهر به کشورهای

علوم پزشکی شیراز) به سخنرانی پرداختند که گزیده‌ای از این سخنرانی‌ها در ادامه ارائه شده است.

دکتر مصطفی معین (ریاست همایش)

دکتر معین با نگاهی به تاریخچه مهاجرت در ایران و جهان، از مهاجرت نخبگان به عنوان یک تراژدی ملی یاد کرد و شاخص‌هایی را در مورد مهاجرت در کشور ارائه کرد و آنها را هشدار برای مسئولان کشور دانست.

- رتبه ۱۱۲ در بین ۱۳۳ کشور از نظر شاخص رقابت‌پذیری برای جذب و نگهداشت استعداد های انسانی.
- رتبه اول از نظر میزان مهاجرت در میان کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در سال ۲۰۲۱
- دو برابر شدن تعداد مهاجرت نخبگان ایرانی در ۳۰ سال گذشته
- مهاجرت سالانه حدود ۱۵۰ هزار نفر از نخبگان علمی
- طبق برآوردها فقط ۱۶ درصد از ایرانی‌ها به مهاجرت فکر نمی‌کنند.
- تمایل به مهاجرت در میان استادان و پژوهشگران ۵۳ درصد؛ پزشکان و پرستاران ۴۵ درصد، دانشجویان و دانش‌آموختگان ۴۰ درصد؛ استارت‌آپ‌ها و حتی شرکت‌های دانش‌بنیان ۴۳ درصد؛ دانش‌آموختگان.
- افزایش ۳ تا ۴ برابری تعداد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور طی دوره ده‌ساله ۷۹ تا ۸۸ (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹).
- به خدمت درآمد بیش از ۱۰ هزار نفر از پزشکان ایرانی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) طبق گزارش یونسکو در سال ۲۰۲۳.
- حضور معادل یک پنجم کل استادان ایرانی (منظور هیئت علمی نیست که جمعیت آن‌ها ۵۰۰ هزار نفر هستند) در آمریکا.
- مهاجرت دائمی بیش از ۷۰ تا ۹۲ درصد دانش‌آموزان مدال‌آور المپیک از ایران.

دکتر معین در ادامه صحبت‌هایشان به برخی از پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده است اشاره کردند و یادآور شدند این پژوهش‌ها تصویری کلی از وضعیت ایران و بحران‌های پیچیده و درهم‌تنیده‌ای را نشان می‌دهند که در طول ۴۵ سال گذشته، به‌خصوص در سال‌های اخیر، دامن‌گیر کشور شده است که یکی از نتایج این بحران‌ها مهاجرت مغزها (چه به صورت مهاجرت توده‌وار و عام و چه مهاجرت نخبگان علمی) بوده است. از جمله این مطالعات، به پژوهش‌های زیر اشاره شد:

۱. پژوهش اول: که به عنوان چهارمین پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، در آبان سال ۱۴۰۲ منتشر شد. مهم‌ترین

متوسط در نظر گرفته می‌شود، ممکن است در یک کشور فقیر یک منبع بسیار ماهر و کمیاب تلقی شود.

در ایران نیز از دهه ۴۰ شمسی تا کنون، روند مهاجرت رو به رشد بوده است. در دوره جنگ تحمیلی و اوایل انقلاب این روند شتاب بیشتری گرفت. در دهه ۸۰، از نیمه این دهه به بعد، به شدت سیر صعودی پیدا کرد و می‌توان گفت که به یک مهاجرت عمومی و توده‌وار تبدیل شد. گراف نیست که بگوییم در سال‌های اخیر، ایران با سونامی مهاجرت نخبگان مواجه شده است و حیاتی بودن موضوع برای جامعه آسیب دیده ایران به گونه ای است که تمامی دلسوزان و اندیشمندان ایران، و همینطور نهادهای حاکمیتی را وادار دارد تا به واکاوی ریشه‌های موضوع بپردازند و راهکارهای علمی برای بهترین مواجهه با این چالش را ارائه داده و به کارگیرند

بر این اساس، «انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری» با دعوت از اساتید و صاحب‌نظران حوزه‌های علمی مختلف، ابعاد اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهاجرت نخبگان را در همایشی ملی با عنوان: «مهاجرت نخبگان ایران امروز: چالش‌ها و راهکارها»، در تاریخ ۱۲ و ۱۳ دی‌ماه ۱۴۰۳، مورد بحث و بررسی قرار داد. این همایش که به ریاست دکتر مصطفی معین و دبیری علمی دکتر مسعود صفایی مقدم برگزار شد. اعضای کمیته علمی و کمیته اجرایی به شرح ذیل بود:

اعضای کمیته علمی (به ترتیب حروف الفبا): دکتر فرهنگ ارشاد، دکتر خسرو باقری، دکتر جعفر توفیقی، دکتر یوسف ثبوتی، دکتر هادی خانیکی، دکتر حسین سراج زاده، دکتر مقصود فراستخواه، دکتر عباس کاظمی، دکتر یدالله مهرعلی زاده، دکتر سعداله نصیری قیداری، دکتر اسدالله نقدی

اعضای شورای سیاست‌گذاری و کمیته اجرایی (به ترتیب حروف الفبا): مهدی جلیلی، مجتبی حاجی جعفری، دکتر هادی خانیکی، المیرا سماواتی، دکتر تقی شامخی، دکتر ندا شفیعی، دکتر سعدالله نصیری قیداری، مجتبی نوریان، دکتر مریم مالمیر، لیلا مظفری (دبیر اجرایی)

همایش در قالب شش نشست اجرا شد. در ادامه گزیده‌ای از مراسم افتتاحیه، محتوای نشست‌ها و اختتامیه ارائه شده است.

افتتاحیه

در ابتدای همایش دکتر مسعود صفایی مقدم (دبیر علمی) مقدمه‌ای در زمینه محتوای همایش بیان کرد.

سپس دکتر مصطفی معین (ریاست همایش) به تشریح ابعاد مهاجرت نخبگان در کشور پرداخت. در ادامه مراسم افتتاحیه پروفیسور یوسف ثبوتی (استاد برجسته فیزیک و عضو پیوسته فرهنگستان علوم)، دکتر حمیدرضا بورد (مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و معاون وزیر نفت) و دکتر حمیرا وفاپی (دانشیار دانشگاه

به سونامی مهاجرت و مهاجرت توده‌وار منجر شده است؛

۴. پژوهش چهارم: طرح مطالعاتی «مهاجرت نخبگان و رابطه آن با توسعه» است که در سال ۹۸ انجام شده است. این پژوهش به نقش مؤثر جوامع نخبگان مهاجر (یا همان دیاسپورا) اشاره می‌کند. بعضی کشورها مانند هند، چین و کره جنوبی موفق شده‌اند که از دیاسپورای خودشان در خارج از کشور استفاده کنند؛ آنها با ایجاد شبکه‌های پویا و فعال علمی، پژوهشی و فناوری، سعی کرده‌اند پلی رابط بین نخبگان داخل و نخبگان خارج باشند و فرار مغزها را به چرخش مغزها تبدیل کنند. اما در حال حاضر ایران موفق به انجام این کار نشده و نخبگان خارج از کشور دچار بی‌پناهی، غربت شده، به خدمت بیگانگان درآمده‌اند و نخبگان داخلی هم سردر لاک انزوا دارند.

پروفسور یوسف ثبوتی (استاد برجسته فیزیک و عضو پیوسته فرهنگستان علوم)

پروفسور ثبوتی با اشاره به تاریخچه مهاجرت و اشاره به مهاجرت تاریخی نخبگان وقت به دانشگاه جندی شاپور تاکید کردند که مهاجرت نخبگان ریشه تاریخی بسیار عمیقی دارد. اگر کشور و محیط نتواند افراد نخبه‌اش را نگه دارد بسیاری را مهاجرت را بر می‌گزینند. در عین حال ایشان تاکید مهمی داشتند که این آدم‌های معمولی هستند که جوامع را نگه می‌دارند، نه نخبگان. نخبگان در هر جامعه‌ای بسیار محدودند؛ یک در ۱۰ هزار یا در ۱۰۰ هزار هم نمی‌رسند. آدم‌های ناخلف جامعه هم در هر جامعه‌ای بسیار محدود و معدودند؛ به یک در ۱۰۰ هزار هم نمی‌رسند. اگر ما توجه‌مان را به این جمع کثیر آدم‌های معمولی متمرکز نکنیم، جامعه فرو خواهد ریخت - که در این سال‌ها در این امر مهم کوتاهی داشته ایم. - ببینید، هر کجای جامعه‌مان را در حال حاضر نگاه کنیم، حراست، نظارت، حسابرسی و حساب‌کشی به صورت‌های مختلف می‌بینیم. شهربانی‌ها برای چیست؟ شهربانی لازم است، برای حراست از خطرات آدم‌های ناخلف. دادگستری لازم است، برای قضاوت آدم‌های ناخلف. آگاهی و اطلاعات لازم است، برای پیدا کردن آدم‌های ناخلف. و به جای تمرکز بر این ضرورت‌ها، چنان قیدوبندی روی جامعه گذاشته‌ایم که آدم‌های معمولی‌مان فرصت دست زدن به هیچ کار دیگری را ندارند. برای پیدا کردن یک در ۱۰۰ هزار آدم ناخلف، این همه حساب‌رسی، حساب‌کشی، ارشاد، حراست و نظارت ایجاد کرده‌ایم. برای چه؟

از آن طرف، بنیاد نخبگان و بنیاد سرآمدان درست می‌کنیم برای اینکه ممکن است بین این آدم‌ها نایغه‌هایی وجود داشته باشد که نباید از آنها غافل شویم! در عوض متأسفانه مردم عادی و حدوسط را فراموش می‌کنیم؛ قسمت اعظم جامعه را که آدم‌های معمولی و متوسط‌الحال‌اند و که به انتظار زیاده از حد به کار و زندگی روزمره مشغول‌اند. این‌ها را در جامعه نمی‌بینیم، به این‌ها فرصت

مسائل کشور از نگاه پاسخ‌دهندگان در این پیمایش، به ترتیب عبارت بودند از: گرانی و تورم، بیکاری و پس از آن اعتیاد، فساد اقتصادی و اداری، مسئله مسکن، مسئله حجاب، مسئله فساد اقتصادی و اداری، مشکل ازدواج جوانان، طلاق، کم‌آبی، رعایت نکردن قانون، محدودیت آزادی بیان و مطبوعات، آلودگی هوا، گردوخاک و ریزگردها.

نتایج این پیمایش نشان داد که ۹۲ درصد از پاسخ‌دهندگان به وضعیت موجود معترض هستند؛ ۹۲ درصد ناراضی هستند و این نشان می‌دهد که بی‌اعتمادی و شکاف عمیقی بین دولت و ملت شکل گرفته است. البته در بین خود مردم هم تا ۸۰ درصد بی‌اعتمادی به وجود آمده و جامعه دچار خشم یا ناامیدی شده است. این خشم و ناامیدی است که از جمله باعث مهاجرت توده‌وار شده است؛ یعنی یافتن جایی برای زندگی که با چنین مشکلاتی روبرو نباشند.

۲. پژوهش دوم: طبق آمار رصدخانه مهاجرت ایران در سال ۱۴۰۱، پنج عامل اصلی در میل به مهاجرت عبارت‌اند از: بی‌ثباتی اقتصادی، شیوه حکمرانی، سطح درآمد، آینده مبهم، عدم شایسته‌سالاری و جستجوی رفاه بیشتر به عنوان یک جاذبه در خارج از کشور.

۳. پژوهش سوم: طبق گزارش نظرسنجی گالوپ در سال ۲۰۱۸ (سال ۹۷)، تمایل به بازگشت نخبگان ایرانی از خارج به داخل، پس از مهاجرت فقط یک درصد است؛ در صورتی که میانگین جهانی بازگشت نخبگان به کشورهاشان ۷ درصد است. این مسئله چند دلیل دارد؛ فقط به عناوین آن‌ها اشاره می‌کنم:

- اول: نگاه امنیتی به کادرهای پزشکی، به دانشمندان و دانشگاه.

- دوم: ضعف زیرساخت‌های علمی، پژوهشی و فناوری به خاطر عدم سرمایه‌گذاری.

- سوم: ساختار صنعتی و مونتاژی صنعت که نمی‌تواند دانش‌آموختگان دانشگاه را جذب کند.

- چهارم: تحریم خارجی و انزوای کشور و عدم امکان ارتباط علمی آسان نخبگان و دانشگاهیان با خارج و با مراجع علمی.

- پنجم: نگرش نادرست مسئولان و مدیریت‌ها نسبت به مسئله مهاجرت.

- ششم: عدم استقلال دانشگاه و آزادی‌های آکادمیک،

- هفتم: تداوم بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تورم دورقمی مزمن در کشور.

- هشتم: زوال سرمایه اجتماعی به خاطر همین بحران‌ها، و مشکل بهره‌وری از منابع انسانی، منابع طبیعی و منابع فرهنگی و ملی خودمان.

- نهم: وجود این دافعه و رانش شدید در خود مبدأ - که ایران باشد -

نمی‌دهیم و آن وقت این حراست و نظارت شدیدی که داریم، همه را دلزده و بی‌انگیزه می‌کند که هم سقوط اخلاقی می‌آورد و هم سقوط شخصیت.

لازم نیست به خاطر کنترل ناخلف‌ها، نظارت، حراست، ارشاد و بگروبندها آن قدر غلیظ و سختگیرانه باشد که عرصه را برای کار، ابتکار و آفرینندگی اکثریت تنگ کند. و لازم نیست برای پروراندن نخبگان و نابغه‌ها هم تمهیدات بیش از حد اندیشیده شود و سرمایه‌گذاری شود. اگر افراد معمولی جامعه فراغ بال داشته باشند، نه تنها گلیم خودشان را از آب بیرون می‌کشند، بلکه مبتکر، آفریننده و جسور هم بار می‌آیند. در چنین جامعه‌ای، هم ناخلف‌ها عرصه را برای خود تنگ می‌بینند و پا پس می‌کشند و هم افراد بالاستعداد فرصت آفرینندگی بیشتر پیدا می‌کنند.

پروفسور ثبوتی نتیجه گرفتند که اگر چنین جامعه‌ای ایجاد نکنیم با توجه به گسترش تکنولوژی و شکل‌گیری دهکد جهانی شهروندان یک کشور ترغیب می‌شوند کشور را ترک کرده و مهاجرت کنند و در جایی قرار گیرند که مورد توجه و حمایت قرار گرفته از امکانات بیشتری بهره‌مند شوند.

دکتر حمیدرضا بورد (مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و معاون وزیر نفت)

دکتر بورد بر اهمیت نقش نیروی انسانی در صنعت نفت کشور تاکید نموده، بیان کرد مجموعه صنعت نفت جدا از مخازن نفتی - که چیزی حدود ۱۶۰ میلیارد [بشکه] نفت درجا داریم - از نظر تجهیزات، سازمان و سازوکار، بزرگ‌ترین مجموعه‌های کشور محسوب می‌شود. شرکت ملی نفت، امروز حدود ۱۵۰ هزار نفر پرسنل دارد. جدا از صحت یا عدم صحت این برآورد از تعداد نیرو، اگر بقیه نیروهای وزارت نفت را جمع کنیم، به عددی بالای ۲۰۰ هزار نفر می‌رسیم. شاید صدها کارخانه، هزاران حلقه چاه نفت و... این‌ها ثروت بسیار مهمی است که - درست یا غلط - هنوز هم اقتصاد کشور به آن وابسته است و در آخرین رقم‌های بودجه، بیش از ۵۰ درصد بودجه کشور هنوز به این دارائی وابستگی دارد. اما از این مهم‌تر، موضوع نیروی انسانی است. پرورش و نگهداشت نیروها در صنعت نفت یک دغدغه خیلی جدی برای صنعت نفت بوده است که متأسفانه در سال‌های اخیر، مقداری دچار خسران، کاهش و حذف خیلی از این برنامه‌ها شد.

در حوزه صنعت نفت، چند دلیل عمده برای بحث مهاجرت نیروی انسانی وجود دارد. جدا از مسائل سیاسی و اجتماعی، متأسفانه اولین موضوع، بحث شایسته‌سالاری بوده است. عدم رعایت شایسته‌سالاری انگیزه را به شدت در نیروها کاهش می‌دهد و این یکی از علل و عوامل خروج نیروهاست. موضوع دوم، حقوق و دستمزد است که در سال‌های اخیر، عامل اقتصادی باعث شده است که مسئولین ما تصمیمات نادرستی بگیرند؛ مثل این بحث

سقف حقوق کما اینکه نیروی ما روی سکوی نفتی مثلاً حقوقش شاید در حد ۱۰۰۰ دلار باشد، اما دو کیلومتر دورتر، روی سکوی آبی، ۱۵ هزار دلار، ۲۰ هزار دلار، ۱۰ هزار دلار، ۸۰۰۰ دلار... با تناسب حقوقش... است؛ موضوع سوم تبلیغات شرکت‌های رقیب و بالاخره فشارهای سیاسی‌ای که به جامعه ما هم وارد می‌شود که یکی دیگر از علل و عوامل خروج نیروهاست. و در نهایت دورنمای شرایط بهتر برای کار از انگیزه‌های دیگر است.

اما نیافتن نقش خود در سازمان مهم‌ترین عامل خروج نیروها از سازمان می‌شود. دکتر بورد در پایان پیشنهاداتی برای کاهش مهاجرت نیروی انسانی در شرکت ملی نفت ایران ارائه کرد. از جمله برای برون‌رفت از این بحران و از این گرفتاری اصلاح و احیای سازوکار جذب و گردش نیروی انسانی در صنعت نفت را از اهم موضوعات برشمرد؛ موضوع حقوق و مزایا هم بالاخره مسئله‌ای کتمان‌ناپذیر است و باید به این قضیه توجه کنیم. بازگشت به شایسته‌سالاری و انتخاب صحیح افراد نکته‌ای کلیدی در این امر است.

ایجاد انگیزه و به‌کارگیری نخبگان، افزایش توان علمی، استفاده از فنون و فناوری‌های جدید، آماده‌سازی برای ورود به مراحل بعدی انقلاب صنعتی در دنیا (موسوم به انقلاب چهارم و پنجم)، استفاده از هوش مصنوعی و... همه مواردی هستند که می‌تواند سطوح مهاجرت را کاهش دهد.

دکتر حمیرا وفایی (دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز)

دکتر وفایی ۴ موج مهاجرتی برای ایران به تصویب کشید:

• **موج اول:** دهه پیش از انقلاب؛ آن زمان که مشکلاتی در کشور به وجود آمد، احزاب سیاسی منحل شدند، محدودیت‌هایی در کشور ایجاد شد و اقلیت‌های مذهبی دچار مشکل شدند.

• **موج دوم:** دهه اول پس از انقلاب، به دلیل پاک‌سازی‌هایی که رخ داد، به دلیل انقلاب فرهنگی که حدود سه سال دانشگاه‌های این کشور را به تعطیلی برد، وجود جنگ و نابرابری‌هایی که به ویژه جامعه زنان احساس می‌کردند.

• **موج سوم:** دهه‌های سوم و چهارم پس از انقلاب. که در برگیرنده حوادث سال ۷۸ و حوادث سال ۸۸ بود این دو برهه زمانی یک موج دیگر [از مهاجرت] اتفاق افتاد.

• **موج چهارم:** از سال ۱۳۹۰ تا کنون است که به‌خصوص بعد از حوادث اخیر و حتی کرونا، به نظر می‌رسد که این موج افزایش بسیار بیشتری پیدا کرده است.

دکتر وفایی در زمینه مهاجرت رویکردهایی را برشمرد و بیان داشت یک رویکرد، رویکرد «فرار مغزها» است؛ آن چیزی که به صورت داوطلبانه دارد اتفاق می‌افتد. مردم آگاهانه احساس می‌کنند که در کشور مقصد شرایط بهتری برایشان وجود دارد، بنابراین مهاجرت

مملکت داشته باشند.

در بحث فرهنگی و در خانواده‌هایمان، در کانون‌های جامعه باید کمک کنیم به اینکه این تاب‌آوری‌مان کمی بیشتر شود هرچند که تاب‌آوری مردم ما زیاد است، واقعاً ما مردمان بسیار نجیبی هستیم، و بسیار توانمند و قدرتمند؛ ولی هنوز هم نیاز داریم تاب‌آوری‌مان را بیشتر کنیم که بمانیم و تا حد توان این کشور را بسازیم.

محتوای نشست‌ها

نشست اول: مبانی نظری مهاجرت نخبگان ایران امروز

تصمیم به مهاجرت یکی از جدی‌ترین، دشوارترین و پیچیده‌ترین تصمیم‌های دوره زندگی هر مهاجری است. این تصمیم، بخصوص برای نخبگان، معمولاً حاصل تاملات عمیق است. از این رو می‌توان پذیرفت که تصمیم به مهاجرت، به ویژه وقتی که توسط نخبگان صورت می‌گیرد، مبتنی بر بنیان‌های عمیق فلسفی، اخلاقی، اقتصادی، آموزشی و تربیتی است. این نشست با پرداختن به مبانی نظری مهاجرت تاکید کرد که تصمیماتی که مهاجران، و به‌ویژه نخبگان ما، برای مهاجرت اتخاذ می‌کنند، همانند سایر تصمیمات زندگی، مبتنی بر مجموعه‌ای از مبانی تقریباً پنهان و پیش‌فرض‌ها است. بنابراین، مسأله‌ای که در این نشست مورد بحث قرار گرفت این بود که مهاجرت بر یک سلسله پیش‌فرض‌ها و مبانی نظری استوار است و تصمیم مهاجران به مهاجرت، به‌صورت آنی و خلق‌الساعه رخ نمی‌دهد؛ بلکه لایه‌های عمیق‌تر شخصیت افراد و رخداد‌های پنهان‌تر جامعه در این تصمیمات دخیل هستند.

دبیر نشست: دکتر مسعود صفایی مقدم (استاد دانشگاه شهید چمران اهواز)

اعضای نشست:

دکتر خسرو باقری

(دانشگاه تهران)

دکتر علیرضا پارساپور

(دانشگاه علوم پزشکی تهران)

دکتر حسین شیخ رضایی

(موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)

دکتر سید محمد علی توکل

(دانشگاه تهران)

دکتر محمود مهر محمدی

(دانشگاه تربیت مدرس)

محورها

- جهان‌بینی نخبگی و مهاجرت: آیا می‌توان از چیزی به نام جهان‌بینی نخبگان ایرانی، به عنوان یکی از عوامل موثر بر مهاجرت آنان صحبت کرد؟
- مهاجرت نخبگان در ترازوی اخلاق: آیا محدود کردن مهاجرت

می‌کنند به آن کشورها. رویکرد بعدی، رویکرد «شکار مغزها» است؛ کشورهای مقصد، مغزهایی را که فکر می‌کنند نخبه هستند و می‌توانند به آن‌ها کمک کنند، بدون اینکه هزینه‌ای برای تحصیل و تجربه‌شان پرداخت کرده باشند، به کار می‌گیرند و این متأسفانه در ایران زیاد استفاده می‌شود. و یک رویکرد، رویکرد «چرخش مغزها» یا رویکرد «سرمایه‌گذاری» است؛ افراد به کشورهایی که علم بهتری دارند می‌روند، تجربه بهتری را کسب می‌کنند و برمی‌گردند و در کشور از آن‌ها استفاده می‌شود. و متأسفانه طبق آمار، در کشور ما فقط ۱ درصد از کسانی که رفته‌اند به کشور بازمی‌گردند.

از دیدگاه ایشان ریشه‌های فرار مغزها عبارتست از:

- علل اقتصادی که مهم‌ترین علت است.

- عوامل اجتماعی و فرهنگی؛ همیشه با ترس دارد زندگی می‌کند. ترس و واکنش‌های سیاسی و نیز برخی شرایط حاد و اجتماعی و نیز ترس از آینده شغلی و تحصیلی فرزندان.

- عدم شایسته‌سالاری؛ حکمرانی بدون اولویت نهادن به شایسته‌سالاری و مدیریت ضعیف و فاقد صلاحیت کافی از جمله دلایل آشکار گریز نخبگان از یک چنین فضای اشتغال است.

- البته همه این مشکلات، مشکلات مدیریتی، مشکلات سیاست‌گذاری و در واقع حاکمیتی نیست. ما به عنوان خانواده‌ها هم فرزندانمان را فردگرا بار آورده‌ایم. تربیت ما هم تربیت غلطی بوده است. دیگر بچه‌های ما به عنوان یک جامعه، به جامعه نگاه نمی‌کنند. هر کس مشکلات شخصی خودش را حل می‌کند. یک خودخواهی در نسل جوان ما وجود دارد که حاضر نیست برای هیچ فرد دیگری از خودش مایه بگذارد یا وقت بگذارد.

- دلایل سیاسی؛ متأسفانه به خاطر تهدیدهای امنیتی، و تحریم‌های اقتصادی موجود افرادی که احساس خوبی نسبت به واوضاع حاکم ندارند اگر بتوانند ترک وطن می‌کنند.

- مشکلات ساختاری‌ای در نظام آموزشی نیز کم نیستند، مثل شرایط کنکور و کیفیت پایین آموزش عالی اگر امکان تحصیل در دانشگاه‌های برتر فراهم نشود.

- دوری دانشگاه و صنعت. دانشگاه در یک وادی بیشتر مقاله محور، با معیارهای سنجش بیشتر مبتنی بر ایندکس (h-index)، بی‌ارتباط با دنیای اشتغال و به کار نمی‌آید؛ گسست ارتباطی به وضوح با در نظر گرفتن کیفیت زیرساخت‌های شهری ما، سیستم حمل‌ونقل ما و غیره آشکار می‌شود.

در پایان دکتر وفایی به راهکارهایی در این زمینه اشاره کرد:

اولین و مهم‌ترین اصل این است که دولتمردان و سیاست‌گذاران ما مسائل بانی مهاجرت را انکار نکنند. و با تأیید اینکه چنین مشکلی وجود دارد به تبعات آن فکر کنند؛ و دل در گرو منافع ملی این

نخبگان، و بویژه نخبگان ایرانی، امری است اخلاقی؟

• مهاجرت نخبگان ایران در آینه تربیت: رویکردها و برنامه‌های آموزشی و تربیتی نظام آموزش و پرورش ایران چگونه بر تصمیم نخبگان ایرانی به مهاجرت اثر می‌گذارد؟

• نقی به تمایل دانشجویان و فارغ التحصیلان دکتری به مهاجرت: مسائل واقعی زیست دانشگاهی چگونه تمایل واقعی نخبگان به مهاجرت را شکل می‌دهد؟

• اخلاق پزشکی: آیا می‌توان از رابطه و نسبت میان ماهیت حرفه پزشکی و میل به مهاجرت صحبت کرد؟

• ماهیت اخلاقی مهاجرت نخبگان ایرانی: آیا می‌توان جنس و ماهیت متفاوت و منحصر به فردی برای مهاجرت نخبگان ایرانی در نظر گرفت؟

نشست دوم: نقش سیاست‌های آموزش عالی در مهاجرت نخبگان علمی ایران امروز

در این نشست به این مساله پرداخته شد که تصمیم نخبگان به مهاجرت تا چه میزان و چگونه تحت تاثیر سیاست‌های کلان بخش آموزش عالی کشور قرار دارد. منظور از بخش آموزش عالی تمامی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی است که نه تنها در حوزه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و همینطور وزارت بهداشت، صورت می‌گیرد، بلکه همه حوزه‌های اجرایی کشور که به نحوی با سطوح عالی آموزش و پژوهش درگیر هستند را نیز شامل می‌شود، از جمله وزارت نفت، وزارت جهاد کشاورزی و دیگر وزارتخانه‌ها. مصادیق درگیری این حوزه‌ها با مسئله مهاجرت نخبگان و متخصصان در مهاجرت روزافزون سرمایه‌های فکری و معنوی ایران، یعنی استادان، پزشکان، محققان، کارآفرینان، صنعتگران، دانشجویان و دیگر نخبگان ایرانی تجلی یافته است.

دبیر نشست: دکتر جعفر توفیقی (استاد دانشگاه تربیت مدرس)

اعضای نشست:

دکتر حمیدرضا آراسته

(دانشگاه خوارزمی)

دکتر علی جعفریان

(دانشگاه علوم پزشکی تهران)

دکتر ابراهیم صالحی

(دانشگاه مازندران)

دکتر یداله مهرعلی زاده

(دانشگاه شهید چمران اهواز)

محورها

• بررسی ظرفیت‌های مادی و معنوی (سخت افزاری و نرم افزاری)

کشورهای مقصد در جذب نخبگان ایرانی:

الف/ ظرفیت‌های مادی

ب/ ظرفیت‌های معنوی

بررسی کمبودهای مادی و معنوی کشور (سخت افزاری و نرم افزاری) در حفظ و نگهداری نخبگان ایرانی:

نشست سوم: وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران و تاثیر آن بر مهاجرت نخبگان

در این نشست مهاجرت به عنوان یکی از مسائل اجتماعی پیش روی ایران بررسی شد. امروز مهاجرت به یک مفهوم ذهنی فراگیر و یک واقعیت عینی موثر تبدیل شده است که می‌تواند ظرفیت‌های ایران را برای توسعه تحت تاثیر منفی قرار دهد. مهاجرت خود فرایندی پویا و برخاسته از شرایط در حال تغییر اجتماعی، جمعیتی، اقتصادی ارتباطی، سیاسی و جهانی نیز هست که به تناسب شتاب و پیچیدگی و در هم تنیدگی این اوضاع جنبه‌های تهدید کننده یا فرصت آخرین آن برجسته می‌شود. براین اساس پدیده مهاجرت را باید اکنون در چارچوب پارادایم یا اکوسیستم نوینی شناخت که در آن روندها، کنش‌ها، بازیگران و چالش‌های جدیدی ظهور کرده‌اند

دبیر نشست: دکتر هادی خانیکی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)

اعضای نشست:

دکتر ماندانا تیشه یار

(دانشگاه علامه طباطبایی)

دکتر رسول صادقی

(دانشگاه تهران)

دکتر محمد فاضلی

(جامعه شناس و پژوهشگر توسعه)

دکتر عبدالمحمد کاظمی پور

(دانشگاه الترای کانادا)

دکتر علی نقی مشایخی

(دانشگاه صنعتی شریف)

محورها

• مهاجرت، بازبینی پدیده در چارچوب اکوسیستم جدید مهاجرت بین المللی

• مهاجرت؛ علل و انگیزه‌ها

• گذارهای جمعیتی، سرمایه انسانی و مهاجرت بین المللی از ایران

• مهاجرانی که آمده‌اند؛ مطالعه‌ای در پدیده آمدن و رفتن نخبگان افغانستان به ایران

• چون و چرای مدیریتی و اقتصادی مهاجرت نخبگان

• ملاحظات دربارۀ جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و ارتباطی

مهاجرت نخبگان ایرانی

نشست چهارم: دایاسپورای ایرانی و نقش نخبگان فکری و علمی در توسعه پایدار

مهاجرت نخبگان علمی مسأله‌ای ملی است که همه ما نسبت به آن مسئولیت اخلاقی داریم خصوصاً سیاست‌های عمومی و ساختارها و روال‌هایی که طی سال‌ها به جای فراهم آوردن اسباب چرخش این نخبگان در جهان با بلیت‌های دو طرفه، شرایط فرار مغزها را پدید آورده است. در عین حال می‌توان گفت، مهاجرت همواره بخشی از الگوی تحول در تاریخ ما نیز بوده است. در این همایش بنای این نشست بر گفتگو و هم‌اندیشی مبتنی بر شواهد به منظور دستیابی به فهرستی از اقدام‌های لازم و مؤثر در جهت حقوق ذی نفعان و منافع عمومی کشور بود.

دبیر نشست: دکتر مقصود فراستخواه (استاد موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)

اعضای نشست:

دکتر علی خورسندی

(دانشگاه علامه طباطبائی)

دکتر بهرام صلواتی

(مدیر رصدخانه مهاجرت ایران)

دکتر علیرضا مهنا

(رئیس اسبق کانون دانش آموختگان دانشکده فنی)

دکتر حمیدرضا نمازی

(دانشگاه علوم پزشکی تهران)

محورها

- علل و موجبات مهاجرت
- ضرورت ارتباط سیستماتیک با متفکران و متخصصین ایرانی دور از وطن
- حق و حقوق متفکران و متخصصین ایرانی دور از وطن
- چگونگی فراهم آوردن اسباب بهره‌وری ملی از این سرمایه‌های فکری (متفکران و متخصصین ایرانی دور از وطن)

نشست پنجم: نقش مدیریت و سیاست‌های ملی در مهاجرت یا جذب نخبگان ایرانی

در این نشست نقش مهمترین سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی وضع شده در ایجاد پدیده مهاجرت نخبگان، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و هدف از آن ارائه یک تصویر روشن از نقش و تأثیر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی در فرار نخبگان از کشور بود؛ تا از این طریق بتوان به راهکارهای عملی در حوزه جلوگیری از مهاجرت این سرمایه‌های بزرگ انسانی و ایجاد جاذبه‌های مهم برای بازگشت نخبگان دست یافت.

دبیر نشست: دکتر سید ضیا هاشمی (دانشیار دانشگاه تهران)

اعضای نشست:

دکتر کیومرث اشتریان

(دانشگاه تهران)

دکتر سمیه توحیدلو

(پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

دکتر طاهره خزائی

(دانشگاه تهران)

دکتر فریدون رحیم‌زاده

(هیأت علمی وزارت علوم)

دکتر محمد حسین شریف‌زادگان

(دانشگاه شهید بهشتی)

دکتر علی اکبر صالحی

(دانشگاه صنعتی شریف)

دکتر مجتبی لشکریلوکی

(رئیس هیأت مدیره مدیریت سرمایه دایموند)

محورها

- در نگاهی آسیب‌شناسانه نقش دولت و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی در مهاجرت نخبگان از کشور چیست؟
- علل و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مهاجرت نخبگان ایرانی از کشور چیست؟
- سیاست‌های جذب‌کننده و دفع‌کننده داخلی مؤثر در مهاجرت یا عدم مهاجرت نخبگان کدامند؟
- انگیزه‌های جمعی و فردی نخبگان ایرانی از مهاجرت از ایران چیست؟
- راهکارهای عملیاتی و سیاست‌های حمایتی ممانعت‌کننده از مهاجرت نخبگان کدامند؟

نشست ششم: مهاجرت نخبگان در فرهنگ ملی و اسلامی

در این نشست پدیده مهاجرت از منظر مبانی ملی و دینی مورد بحث قرار گرفت. مقصود از مبانی ملی این است که چه نسبتی میان پدیده مهاجرت و هویت ملی وجود دارد. در این رابطه حالات مختلفی ممکن است وجود داشته باشد. در یک حالت، مهاجران با حفظ هویت ملی خود و تعهد نسبت به آن، اقدام به مهاجرت می‌کنند. در این حالت، مهاجر همواره اقدام خود را بر حسب هویت ملی و تعهد نسبت به آن درک می‌کند. در نتیجه، همواره در این اندیشه خواهد بود که نتایج مهاجرت خود را برای کشور و ملت خود مورد توجه قرار دهد و حتی بازگشت به میهن را بخشی از تعهد ملی خود در نظر خواهد گرفت. در حالت دوم، هویت ملی خود را حفظ می‌کند اما تعهد نسبت به آن، ضعیف یا مفقود خواهد بود. در

– پدیده مهاجرت از منظر دینی چگونه ارزیابی می‌شود؟

اختتامیه

در مراسم اختتامیه دکتر محمد رضا ظفرقندی وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به جهت اهمیت مهاجرت نخبگان در حوزه علوم پزشکی و زیستی سخنانی را بیان کرد که در ادامه گزیده‌ای از آن آرایه شده است.

چالش‌های مهاجرت توسط ایشان به تفصیل مورد بحث قرار گرفت؛ از نظر دکتر ظفرقندی واقعیت امر این است که شاهد نوعی سرمایه‌سوزی و هدررفت سرمایه در ابعاد مختلف هستیم. نمی‌توان در این چالش صرفاً بر ابعاد علمی یا صرفاً اقتصادی تأکید کرد. باید واقعیت‌ها را به طور دقیق و همه جانبه مشاهده کرد.

در مساله مهاجرت از یک سو جاذبه‌هایی در کشورهای دیگر وجود دارد و از سوی دیگر، عوامل متعددی برای دافعه در کشور ما وجود دارد که برای یافتن راهکارها، باید تمامی این عوامل را در نظر گرفت. راهکارها با شناخت واقعی چالش‌ها به دست می‌آیند.

راه حل دیگر این است که به راهکارها و اصلاحات کوچک بپردازیم که می‌تواند امیدی ایجاد کند. در بحث حاضر، یکی از دلایلی که بنده در حوزه پزشکی ارزیابی می‌کنم، این است که دانشجوی پزشکی، پس از پذیرفته شدن در یک رقابت سخت، با موانعی مواجه می‌شود. دانشجوی پزشکی پس از پذیرفته شدن، باید حداقل چهار تا پنج سال در مناطق محروم خدمت کند. این قانون است. پس از آن، می‌تواند برای شرکت در آزمون تخصص اقدام کند. پس از قبولی در آزمون، چهار سال تحصیل دشوار در پیش دارد. پس از اتمام دوره تخصص با کشیک‌ها، درگیری‌ها، زحمات و حقوق کم، مجدداً باید چند سال در مناطق محروم طرح بگذرانند. فرد می‌خواهد به ثباتی در زندگی برسد. در سنی است که ازدواج کرده و خانواده دارد. پس از اتمام طرح، تازه می‌تواند در رشته فوق تخصص یا فلوشیپ ادامه تحصیل دهد. دوباره باید چند سال در مناطق محروم خدمت کند. موارد بسیاری داریم که فرد ازدواج کرده، همسرش در یک شهر است و خودش در شهر دیگر. این سختی‌های تحصیل و ادامه تحصیل و موانعی که گاهی دیده نمی‌شود، باعث می‌شود که فرد در میانه راه از ادامه مسیر منصرف شود.

از مهم‌ترین دلایل مهاجرت نخبگان در حوزه علوم پزشکی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- **تبعیض و فرصت‌های نابرابر در تحصیل:** اگر فردی در ورود به رشته، رتبه‌ای داشته باشد که شایستگی ورود به دانشگاه تهران را داشته باشد، اما به دلیل بی‌عدالتی آموزشی، این امکان برایش فراهم نشود، همین جا تصمیم به مهاجرت می‌گیرد. زیرا می‌داند که این مسیر در آینده نیز تکرار خواهد شد.
- **بی‌ثباتی یا تغییرات مداوم در شرایط سیاسی کشور:** این

این صورت، فرد در کشور مقصد، همواره بر هویت ملی خود اصرار خواهد داشت، اما تعهدی برای بازگشت یا انتقال تجربیات خود به داخل کشورش نخواهد داشت. در حالت سوم، هیچ یک از دو عنصر هویت ملی و تعهد نسبت به آن، وجود ندارد. در این حالت، مهاجرت نه تنها شکلی از فعالیت فیزیکی، بلکه حالتی روانی و وجودی خواهد داشت و فرد مهاجر، از هویت خود نیز مهاجرت خواهد کرد. در نتیجه، مهاجرت نوعی استحاله در فرهنگ کشور مقصد خواهد بود. حالت چهارمی را نیز می‌توان تصور کرد که در آن، در اصل، هویت ملی مورد انکار قرار می‌گیرد و از مفهومی تحت عنوان جهان وطنی یاد می‌شود. در این حالت، فرد خود را در عرصه جهان مورد توجه قرار می‌دهد و به خدمت انسانی و جهانی، نه ملی و میهنی، می‌اندیشد.

مقصود از مبانی دینی مهاجرت این است که پدیده مهاجرت از منظر دینی مورد بررسی قرار گیرد. در مفاهیم اسلامی، مهاجرت گاه به منزله اقدامی مثبت برای خروج از محدودیت‌های شکننده اقلیم خودی و ورود در امکان‌های جدید رشد و تحول فردی و حتی اجتماعی محسوب شده است. در شکل دوم مهاجرت با هدف بازگشت مورد توجه قرار گرفته است. در این حالت، فرد به سرزمینی مهاجرت می‌کند که در آنجا امکان رشد و تحول فردی مناسب‌تری را می‌یابد، اما مقصود او این است که خود را غنی کند تا به سرزمین خود بازگردد و سرزمین خود را مورد تحول اجتماعی قرار دهد.

دبیر نشست: دکتر خسرو باقری (استاد دانشگاه تهران)

اعضای نشست:

آیه الله محمد سروش محلاتی

(استاد حوزه)

دکتر بابک شمشیری

(دانشگاه شیراز)

دکتر علیرضا صادق زاده

(دانشگاه تربیت مدرس)

دکتر مسعود صفایی مقدم

(دانشگاه شهید چمران اهواز)

محورها

– چه نسبتی میان پدیده مهاجرت و هویت ملی وجود دارد؟

الف) مهاجران با حفظ هویت ملی خود و تعهد نسبت به آن، اقدام به مهاجرت می‌کنند.

ب) هویت ملی خود را حفظ می‌کند اما تعهد نسبت به آن، ضعیف یا مفقود خواهد بود.

ج) هیچ یک از دو عنصر هویت ملی و تعهد نسبت به آن، موجود نخواهد بود.

اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش عالی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنیاد ملی نخبگان در محل «مرکز همایش‌های بین‌المللی پژوهشگاه صنعت نفت» برگزار گردید.

در این همایش زمینه‌ها، ویژگی‌ها و پیامدهای مهاجرت نخبگان به عنوان رخدادی نوپدید و چندوجهی در قالب شش نشست با مشارکت ۳۷ تن از صاحب‌نظران و پژوهشگران برجسته کشور مطرح شد و مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. هدف کلی همایش از ابتدا و در مراحل برگزاری دوساله جلسه‌های متوالی گفتگو و پیش‌نشست‌های تخصصی تا گردهم‌آیی نهایی، آن بود که موضوع مهاجرت نخبگان علمی در ایران امروز، چالش‌ها و راهکارهای پیش روی آن در قالب یک «مسئله ملی» مطرح شود و توجه افکار عمومی، دانشوران، نهادها و کنشگران مدنی، سیاست‌گذاران و مجریان و همه دلسوزان ایران را به این موضوع جلب کند. در واقع همایش، فراخوانی به «گفتگو بر سر جدی بودن، فراگیر بودن و پرشتاب بودن پدیده و فرایند مهاجرت نخبگان علمی و تاثیرگذاری بر همه‌ی زمینه‌ها و ابعاد توسعه ایران امروز و فردا» بوده است. این هدف در متن نشست‌های شش‌گانه، گفتگوهای پیرامونی اعم از سخنرانی‌های افتتاحیه و اختتامیه، ارائه مقالات، نمایش مستند، انتشار گزارش‌های رسانه‌ای انعکاس یافت و با تنظیم گزارش سیاستی، تداوم نشست‌های تخصصی و نشر کتاب همایش پیگیری خواهد شد.

چالش‌ها و راهکارها

مهم‌ترین چالش‌ها و راهکارهای مطرح شده که در نشست‌های شش‌گانه که هریک می‌توانند «مسائلی برای گفتگوی ملی» پیرامون مهاجرت نخبگان به‌شمار آیند، به اختصار عبارتند از:

۱. مبانی نظری مهاجرت نخبگان ایران امروز

- سودای مهاجرت، تمنای مهاجرت، تصمیم مهاجرت و اقدام به مهاجرت یکی از جدی‌ترین، دشوارترین و فراگیرترین واقعیت‌های امروز جامعه ایرانی است که نوع و ماهیت مهاجرت نخبگان ایرانی را دربرگرفته است.

- در این ارتباط جهان‌بینی نخبگی و مهاجرت نخبگان ایرانی، سنجش مهاجرت در ترازوی اخلاق، در آیین تربیت و آموزش، جهان‌زیست دانشگاهی، ماهیت فردی و جمعی مهاجرت، نسبت میان حرفه‌ها و مهاجرت مورد گفتگو قرار گرفت و بر لزوم انجام مطالعات عمیق و چندساحتی و کاربردی تاکید شد.

۲. نقش سیاست‌های آموزش عالی در مهاجرت نخبگان علمی ایران امروز

- بخشی از چالش مهاجرت نخبگان دانشگاهی متأثر از سیاست‌های حکمرانی و رویکردهای متصلب حاکم بر دانشگاه است. بحران‌های

مسئله نیز یکی از علل مهاجرت است. مسائل صرفاً اقتصادی نیستند. این عوامل می‌توانند در راهکارها نیز لحاظ شوند.

• **محدودیت در تعاملات بین‌المللی:** علم بدون تعاملات بین‌المللی راکد و فاسد می‌شود. اگر تعاملات بین‌المللی محدود شود، ارتباطات، رفت‌وآمدها، کنگره‌ها و مقاله‌نویسی‌ها با مشکل مواجه می‌شوند. هرچه این تعاملات ساده‌تر شود، امکان ماندگاری نخبگان افزایش می‌یابد.

راهکارهایی برای ایجاد انگیزه و افزایش امید برای ماندگاری وجود دارد:

- توجه خاص به معیشت و بها دادن به خدمات تخصصی.
- شایسته‌سالاری و نگرش حرفه‌ای.
- حفظ شأن و کرامت علمی جامعه.
- بهبود فضاهای آموزشی-پژوهشی جهت مشارکت در حل مسائل کشور.
- ایجاد سرمایه اجتماعی.
- توجه به زیرساخت‌های پژوهشی در آموزش عالی و آموزش و پرورش.
- ترمیم دریافتی‌های اقتصادی و اصلاح تعرفه‌ها.
- حفظ ارزش پول ملی.
- حساس کردن مدیران در سطوح مختلف نسبت به گستردگی و تبعات پدیده مهاجرت نخبگان.
- تمهید تدابیر قانون‌گذاری برای استفاده از نخبگان و به‌کارگیری آن‌ها در اداره کشور.
- مجموعه این عوامل باعث ایجاد انگیزه و افزایش امید به آینده می‌شود.

بیانیه پایانی

در پایان ضمن تشکر از همه دست‌اندرکاران همایش بیانیه پایانی همایش به شرح زیر قرائت شد:

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

همایش مهاجرت نخبگان علمی در ایران امروز، چالش‌ها و راهکارها در تاریخ ۱۲ و ۱۳ دی ماه ۱۴۰۳ برگزار شد. «همایش انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری» با همکاری انجمن آموزش عالی ایران، انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، انجمن ترویج علم ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن فلسفه تعلیم و تربیت، موسسه‌ی نیکوکاری دکتر مجتبی معین، دانشگاه تهران، دانشگاه شهید چمران اهواز، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی و با حمایت شرکت ملی نفت ایران، معاونت علمی، فناوری و

ایرانیان خارج از سرزمین اکنون یک فرصت برای کمک به خروج کشور از انزوا، تحریم و بحران‌های اقتصادی، علمی و بین‌المللی هستند.

- سرمایه‌ی انسانی ایران که در دور و نزدیک جهان پراکنده‌اند در امنیت و آینده کشور نقش موثر دارند؛ باید با نخبگان مهاجر ارتباط فعال و موثر داشت.

- برای حمایت و مراقبت از استاد و دانشجوی مهاجرت‌کرده می‌توان به سیاست شبکه‌سازی و تقویت پیوندهای فرهنگی و ارتباط فعال با ایران الویت داد. درک تنوع و ظرفیت‌های متفاوت دایاسپورای ایرانی و تلاش برای انسجام و همبستگی میان نخبگان در داخل و خارج از کشور و کمک به ایجاد و گسترش شبکه‌ها و نهادهای مدنی ضرورتی مشهود، پیش روی جامعه، نظام حکمرانی، مهاجرت‌کنندگان و شهروندان مصمم به مهاجرت است.

۵. نقش مدیریت و سیاست‌های ملی در مهاجرت یا جذب نخبگان ایرانی

- با اتکا به ظرفیت‌های عظیم ایرانیان مهاجر، به ویژه نخبگان علمی و پذیرش ضعف‌ها و کاستی‌های موجود و تجدید نظر در برخی سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی را که موجب دافعه و تشدید انگیزه مهاجرت می‌شوند، ضروری می‌دانیم.

- شناخت و تحلیل دقیق شرایط جدید اجتماعی و فرهنگی و تحولات نسلی و برنامه‌ریزی شایسته برای جذب و نگه‌داشت نخبگان و تسهیل مراودت و تردد ایرانیان مهاجر را در این برهه الزامی می‌دانیم.

- اگرچه مهاجرت لزوماً امری مخرب و منفی نیست ولی اتخاذ تدابیر به منظور بهره‌گیری از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های همه ایرانیان وطن‌دوست در هر نقطه از جهان ضروری است. بنابراین لازم است دولت و سایر دستگاه‌های رسمی با پرهیز از رویکرد صرفاً امنیتی، سیاست‌های کارآمدی برای تسهیل تردد و تعامل نخبگان ایرانی و مشارکت آنان در رشد و پیشرفت و اعتلای ایران عزیز اتخاذ نمایند و نهادهای مدنی نیز در این مسیر مشارکت کنند.

۶. مهاجرت نخبگان در فرهنگ ملی و اسلامی

- جامعه اسلامی از انواع ستم‌ها و تبعیض‌ها بری است. بنابراین باید سازوکارهای لازم برای ظلم‌زدایی و تبعیض‌زدایی از جامعه ایران طراحی و اجرا شود.

- بنیان‌های فرهنگ باستانی ایران ظرفیت‌های لازم برای مواجهه سازنده با پدیده مهاجرت نخبگان را دارد؛ از این رو ارج نهادن به سنت‌ها و ارزش‌های اصیل و تمدنی ایران باید مورد توجه قرار گیرد.

نهاد دانشگاه؛ از جمله امنیتی شدن فضای آن، ضعف دراستقلال مالی، اداری و اجرایی، محدودیت آزادی‌های آکادمیک و بسته بودن محیط کش دانشجویی، تنگ بودن میدان ارتباطات بین‌المللی و ارتباط صنعت و جامعه با دانشگاه و به طور کلی دور افتادن نهاد دانشگاه از سرشت جهانی علم، «مسئولیت اجتماعی» و فرصت‌های توسعه‌ای به طور مستقیم و غیرمستقیم روند مهاجرت نخبگان دانشگاهی را تشدید کرده است.

- برای تغییر و بهبود وضع نگران‌کننده کنونی پیشنهاد می‌شود: وضعیت دانشگاه‌ها از نظر سیاست‌گذاری و ماهیت استقلال علمی، استقلال مالی و سازمانی و پشتیبانی بازنگری گردد.

اصلاح ضوابط و معیارها و قوانین موجود در جذب دانشجو و هیأت علمی و ارتباطات علمی و بین‌المللی و فراهم کردن شرایط و الزامات و امکانات بین‌المللی‌سازی دانشگاه در الویت سیاست‌های دولت و نظام قرار گیرد.

۳. وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران و تاثیر آن بر مهاجرت نخبگان

- پدیده مهاجرت نخبگان علمی را باید فراتر از مبانی و رویکردهای نظری گذشته دید. این پدیده را در ایران امروز باید یک مفهوم ذهنی فراگیر و یک واقعیت عینی موثر دانست که می‌تواند ظرفیت‌های ایران را برای توسعه با پیامدهای منفی و مخرب مواجه سازد. مهاجرت نخبگان علمی مقدم بر عوامل اقتصادی و حرفه‌ای اکنون بیشتر تحت تاثیر زمینه‌های سیاسی، و به این اعتبار یک «مسأله اجتماعی» است.

- فرسایش سرمایه اجتماعی، کاهش امید به آینده، تبعیض و محرومیت از حقوق عادلانه، محدودیت آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی (مانند تلاش برای اعمال حجاب اجباری)، فروپست‌های ارتباطی (همچون فیلترینگ و عدم امکان دسترسی به فضای مجازی) به فرآیند مهاجرت شتاب فزاینده‌ای داده است. به این ترتیب باید عوامل و آثار این پدیده در چارچوب اکوسیستم جدید مهاجرت، گذارهای جدید جمعیتی، جنسیتی، اقتصادی و اجتماعی، و افزایش سرعت و گسترش دامنه آن مورد توجه قرار گیرد؛ بویژه آنکه تاثیرات آن اکنون هم بر روند مهاجرپذیری و هم مهاجرفرستی در ایران قابل مشاهده است.

۴. دایاسپورای ایرانی و نقش نخبگان فکری و علمی در توسعه پایدار

- مهاجرت فزاینده و پرشمار نخبگان علمی در سال‌های اخیر تبدیل به مسأله‌ای شده است که توجه به ایرانیان فراسرزمین و دایاسپورای ایرانی را در همه حوزه‌های توسعه برجسته کرده است.